

پیش‌بینی اضطراب اجتماعی نوجوانان براساس ادراک سربار بودن، دوسوگرایی در ابراز هیجان و
تمایز یافتگی خود

Prediction of adolescents social anxiety based on the perceived burdensomeness,
ambivalence over emotional expression and self-differentiation

Sajad Rostami Ghorbani

Department of psychology, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

Mahin Eksir *

Department of psychology, Shi.C., Islamic Azad University, Shiraz, Iran. 1755337108@iaau.ir

سجاد رستمی قربانی

گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

مهین اکسیر (نویسنده مسئول)

گروه روانشناسی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

Abstract

The present study aimed to predict adolescents' social anxiety based on perceived burdensomeness, ambivalence over emotional expression, and self-differentiation. This study was descriptive-correlational. The statistical population included first and second-year high school students in Shiraz in the academic year 2024-2025. 250 people were selected using multistage cluster sampling and responded to the social anxiety questionnaires of (SPIN, Connor et al., 2000), interpersonal needs of (INQ, Van Oarden et al., 2012), emotional ambivalence of (AEQ, King and Emmons, 1990), and differentiation of (DSI, Skowron & Friedlander, 1998). The data were analyzed using multiple regression analysis. The results showed that perceived burdensomeness, ambivalence over emotional expression, and self-differentiation explained 69% of the variance in social anxiety in adolescents. Also, perceived burdensomeness and ambivalence over emotional expression positively and self-differentiation negatively were significant predictors of social anxiety ($p \leq 0.007$). These findings indicate that cognitive emotional factors simultaneously play an important role in explaining adolescent social anxiety, and paying attention to these factors can help to more accurately understand the underlying processes of this disorder during adolescence.

Keywords: Perceived Burdensomeness, Ambivalence over Emotional Expression, Self-Differentiation, Social Anxiety.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی اضطراب اجتماعی نوجوانان براساس ادراک سربار بودن، دوسوگرایی در ابراز هیجان و تمایز یافتگی خود انجام شد. این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. ۲۵۰ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های اضطراب اجتماعی (SPIN)، کانور و همکاران، (۲۰۰۰)، نیازهای بین‌فردی (INQ)، ون‌آردن و همکاران، (۲۰۱۲)، دوسوگرایی هیجانی (کینگ و امونز، AEQ، ۱۹۹۰) و تمایز یافتگی (DSI، اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آزمون رگرسیون چندگانه تحلیل شد. نتایج نشان داد که ادراک سربار بودن، دوسوگرایی هیجانی و تمایز یافتگی خود در مجموع ۶۹ درصد از واریانس اضطراب اجتماعی نوجوانان را تبیین می‌کنند. همچنین ادراک سربار بودن و دوسوگرایی در ابراز هیجان به‌صورت مثبت و تمایز یافتگی خود به‌صورت منفی پیش‌بینی‌کننده معنادار اضطراب اجتماعی بودند ($p \leq 0.007$). این یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل شناختی هیجانی به‌صورت هم‌زمان نقش مهمی در تبیین اضطراب اجتماعی نوجوانان دارند و توجه به این عوامل می‌تواند به فهم دقیق‌تر فرایندهای زیربنایی این اختلال در دوره نوجوانی کمک کند.

واژه‌های کلیدی: ادراک سربار بودن، دوسوگرایی در ابراز هیجان، تمایز یافتگی خود، اضطراب اجتماعی.

مقدمه

نوجوانان مبتلا به اضطراب اجتماعی^۱ اغلب ترس شدید از ارزیابی منفی در موقعیت‌های اجتماعی را تجربه می‌کنند که منجر به رفتارهای اجتنابی و اضطراب‌های قابل توجهی می‌شود (کانگ^۲ و همکاران، ۲۰۲۵). این اختلال به‌عنوان یکی از شایع‌ترین اختلالات روانی در نوجوانان، با ترس شدید و مداوم از ارزیابی منفی توسط دیگران تعریف می‌شود (لی^۳ و همکاران، ۲۰۲۳) و علائم آن شامل نگرانی، اجتناب از موقعیت‌های اجتماعی و احساس ناتوانی در تعامل با دیگران است (کاجاستوس^۴ و همکاران، ۲۰۲۴). چنین اختلالاتی با پدیده‌هایی همراه است که ممکن است باعث ایجاد مشکلات مختلفی در محیط‌های تحصیلی، خانوادگی و اجتماعی شود؛ از جمله ناتوانی در تمرکز، مشکلات در کنترل نگرانی در مورد عملکرد تحصیلی، تجربه آزار و اذیت همسالان، ترس از سخنرانی در جمع و ترس از تعامل با همسالان و معلمان (ویلاپلانا-پرز^۵ و همکاران، ۲۰۲۱؛ فتح آبادی و همکاران، ۱۴۰۱). مطالعات نشان می‌دهد که حداقل در نیمی از نوجوانان مبتلا به اضطراب اجتماعی، کیفیت زندگی آن‌ها در ابعاد مختلف از جمله سلامت عمومی، سلامت روان و عملکرد اجتماعی نسبت به همتایان سالم به‌طور قابل توجهی پایین‌تر است (سریوندا^۶ و همکاران، ۲۰۲۵).

درک عواملی که به اضطراب اجتماعی نوجوانان دامن می‌زند، برای توسعه مداخلات روان‌شناختی هدفمند و حمایت‌های پیشگیرانه ضروری است. یکی از سازه‌هایی که ارتباط آن با اضطراب اجتماعی نوجوانان کمتر مورد بررسی قرار گرفته است، ادراک سربار بودن^۷ است؛ مفهومی که به باور فرد مبنی بر مزاحمت یا بار بودن برای دیگران اشاره دارد (بهارگاو و سوردز^۸، ۲۰۲۲). در نوجوانان، ادراک اینکه برای دیگران یا خانواده «بار» هستند، ممکن است از منابع مختلفی از جمله انتظارات بالای والدین، روابط چالش‌برانگیز با همسالان و فشارهای اجتماعی ناشی شود (لیبرمن^۹ و همکاران، ۲۰۲۳). این افراد غالباً احساس می‌کنند که حضورشان موجب ایجاد فشار عاطفی یا مادی برای اطرافیان می‌شود. این باور می‌تواند از موقعیت‌های استرس‌زا مانند بیکاری والدین، ناکامی‌های تحصیلی یا انزوای اجتماعی شکل گیرد (محبوبی مطبوع و همکاران، ۱۴۰۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این ادراک اغلب نوعی تحریف شناختی است و افراد درک دقیقی از تأثیر واقعی خود بر دیگران ندارند (سیبل^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۴). از سوی دیگر، هنگامی که سطوح بالای ادراک سربار بودن با اضطراب اجتماعی همزمان می‌شود، احتمال بروز افکار خودکشی و احساس بی‌ارزشی نیز افزایش می‌یابد (گیل^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۳). بنابراین، بررسی سازوکارهای شناختی و هیجانی مرتبط با این ادراک می‌تواند به درک عمیق‌تری از شکل‌گیری و تداوم اضطراب اجتماعی در نوجوانان منجر شود.

علاوه بر این، وجود مشکلات هیجانی مانند دوسوگرایی در ابراز هیجان^{۱۲} نیز می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر اضطراب اجتماعی نوجوانان داشته باشد. دوسوگرایی در ابراز هیجان به حالتی اشاره دارد که فرد در بیان هیجانات خود دچار تضاد است؛ یعنی از یک سو نیاز به ابراز احساسات را احساس می‌کند و از سوی دیگر از پیامدهای احتمالی آن بیم دارد (وانگ^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۲). این تضاد در ابراز هیجان، با دشواری در تنظیم هیجان‌ها و ضعف در روابط بین‌فردی مرتبط است. افرادی که سطح بالایی از دوسوگرایی در ابراز هیجان دارند، اغلب بیش از حد بر بازخورد منفی احتمالی از سوی دیگران تمرکز می‌کنند (چن^{۱۴}، ۲۰۲۵). این فرایند می‌تواند چرخه‌ای معیوب ایجاد کند که در آن ترس از ارزیابی منفی منجر به سرکوب احساسات شده و در نتیجه احساس تنهایی، انزوا و اضطراب را تشدید کند (هوانگ و وانگ^{۱۵}، ۲۰۲۴). مطالعات نشان داده‌اند که سرکوب هیجانی به‌عنوان یک مکانیزم مقابله‌ای رایج در میان افراد دارای اضطراب اجتماعی عمل می‌کند

1 social anxiety

2 Kang

3 Leigh

4 Kajastus

5 Vilaplana-Pérez

6 Sriwenda

7 perceived burdensomeness

8 Bhargav & Swords

9 Lieberman

10 Seibel

11 Gill

12 ambivalence over emotional expression

13 Wang

14 Chen

15 Huang & Wang

و معمولاً از همین دوسوگرایی در ابراز هیجان ناشی می‌شود. این امر نه تنها پردازش هیجانی را مختل می‌کند بلکه توانایی دریافت حمایت اجتماعی را که برای مقابله با استرس حیاتی است؛ کاهش می‌دهد (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۳).

از سوی دیگر، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نوجوانانی که از سطح بالاتری از تمایز یافتگی خود^۱ برخوردارند، معمولاً در مواجهه با موقعیت‌های اجتماعی اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند (لامپس^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). تمایز یافتگی خود به توانایی فرد برای حفظ تعادل میان استقلال هیجانی و صمیمیت با دیگران اشاره دارد. افراد با تمایز یافتگی بالا قادرند احساسات و افکار خود را از احساسات و نظرات دیگران متمایز کنند، که این امر به تصمیم‌گیری منطقی‌تر و تنظیم هیجانی مؤثرتر منجر می‌شود (نوری و موسوی، ۱۴۰۳). در مقابل، افراد با تمایز یافتگی پایین معمولاً در جداسازی هیجانات خود از دیگران ناتوان‌اند و در نتیجه در برابر فشارهای اجتماعی یا هیجانی رفتارهای واکنشی و اضطراب‌آمیز از خود نشان می‌دهند (یاووز و کاراکا^۳، ۲۰۲۱). تمایز یافتگی عمدتاً در بستر خانواده و روابط اولیه شکل می‌گیرد و خانواده‌هایی که ارتباطات باز، احترام به تفاوت‌های فردی و حمایت هیجانی را تشویق می‌کنند، فرزندان با تمایز یافتگی بالاتر پرورش می‌دهند (ناریانان و سریام^۴، ۲۰۲۳). نتایج پژوهش زندگندمی و رضایی (۱۴۰۴) نیز نشان داد افرادی که از تمایز یافتگی بالاتری برخوردارند، در برابر اضطراب مقاوم‌تر بوده و در تعاملات اجتماعی عملکرد سازگارانه‌تری دارند. این افراد معمولاً از استراتژی‌های مقابله‌ای مؤثر استفاده می‌کنند که به کاهش اضطراب و ارتقای کیفیت زندگی منجر می‌شود (سالرنو^۵ و همکاران، ۲۰۲۴).

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه اضطراب اجتماعی نوجوانان در ارتباط با عوامل شناختی، هیجانی و بین‌فردی مختلف مورد توجه قرار گرفته است، اما هنوز برخی پرسش‌های اساسی درباره چگونگی هم‌افزایی این عوامل در شکل‌گیری و تداوم این اختلال به‌طور کامل روشن نشده‌اند. برخی از مطالعات، ارتباط عواملی نظیر ادراک سربار بودن، دوسوگرایی در ابراز هیجان و تمایز یافتگی خود را با اضطراب اجتماعی به‌صورت جداگانه بررسی کرده‌اند، در حالی که تجربه زیسته نوجوانان از اضطراب اجتماعی اغلب حاصل برهم‌کنش هم‌زمان این عوامل است. از سوی دیگر، سهم نسبی هر یک از این سازه‌ها در پیش‌بینی اضطراب اجتماعی و الگوی کلی روابط میان آن‌ها، به‌ویژه در دوره حساس نوجوانی و در بستر فرهنگی جامعه ایرانی، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. بر این اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد تا چارچوبی منسجم برای درک اضطراب اجتماعی نوجوانان ارائه دهد. یافته‌های این پژوهش علاوه بر کمک به غنای مبانی نظری حوزه اضطراب اجتماعی، می‌تواند راهنمایی برای طراحی مداخلات پیشگیرانه، برنامه‌های آموزشی خانواده و مداخلات مدرسه‌محور باشد؛ مداخلاتی که با تمرکز بر اصلاح باورهای ناکارآمد، تسهیل ابراز هیجان سازگارانه و تقویت تمایز یافتگی خود، به ارتقای سلامت روان و بهبود تعاملات اجتماعی نوجوانان منجر شود. از این رو پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی اضطراب اجتماعی نوجوانان بر اساس ادراک سربار بودن، دوسوگرایی در ابراز هیجان و تمایز یافتگی خود انجام شد.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم شهر شیراز در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۴ بود. تعداد ۲۵۰ نفر (۱۳۲ دختر، ۱۱۸ پسر) از این افراد به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. برای این کار ابتدا از هر یک از چهار ناحیه آموزش و پرورش شیراز، یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه به طور تصادفی انتخاب شد، که در مجموع ۴ مدرسه دخترانه و ۴ مدرسه پسرانه را شامل می‌شد. در مرحله دوم، از هر مدرسه ۶ کلاس از رشته‌های مختلف تحصیلی برگزیده شدند. در نهایت، از هر کلاس بین ۴ تا ۶ دانش‌آموز انتخاب شدند تا مجموعاً ۲۵۰ نفر برای شرکت در پژوهش انتخاب شوند. این فرآیند باعث شد که نمونه به‌خوبی نمایانگر جمعیت هدف باشد و از پراکندگی جغرافیایی و تنوع رشته‌های تحصیلی دانش‌آموزان در جامعه آماری بهره‌مند شود. لازم به ذکر است که ملاک تعیین حجم نمونه، فرمول ارائه شده توسط تاباچنیک^۶ و همکاران (۲۰۱۳) بود که حداقل حجم نمونه برای مطالعات همبستگی را ۸ برابر تعداد متغیرهای پیش‌بین به‌علاوه ۵۰ پیشنهاد دادند. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل قرار داشتن در دامنه سنی ۱۳ تا ۱۸ سال، رضایت آگاهانه شرکت‌کننده و والدین، عدم گزارش اختلالات شناختی یا یادگیری و عدم جدایی یا

1 self-differentiation
 2 Lampis
 3 Yavuz & Karaca
 4 Narayanan & Sriram
 5 Salemo
 6 Tabachnick

طلاق والدین در زمان اجرای پژوهش بود. ملاک‌های خروج شامل عدم تکمیل کامل پرسشنامه‌ها و پاسخ‌دهی غیرواقعی یا تصادفی بود. این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه رشته روانشناسی بالینی است و پس از دریافت کد اخلاق به شناسه IR.IAU.SHIRAZ.REC.1404.014 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز، با رعایت کامل اصول اخلاقی انجام شد. به این منظور شرکت‌کنندگان و والدین آن‌ها از هدف پژوهش، نحوه اجرای آن و محرمانه بودن اطلاعات آگاه شدند و رضایت‌نامه کتبی از والدین اخذ گردید. مشارکت در پژوهش داوطلبانه بود و دانش‌آموزان در هر مرحله مجاز به انصراف از همکاری بودند. اطلاعات جمع‌آوری شده صرفاً برای اهداف پژوهشی استفاده شد و بدون ذکر نام یا شناسه فردی گزارش گردید. همچنین، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که نتایج پژوهش هیچ‌گونه تأثیر منفی بر وضعیت تحصیلی یا روابط آنان در مدرسه نخواهد داشت. در پایان داده‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل رگرسیون چندگانه و با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه اضطراب اجتماعی کانور^۱ (SPIN): پرسشنامه اضطراب اجتماعی توسط کانور و دیویدسون^۲ (۲۰۰۰) با هدف سنجش شدت علائم اضطراب اجتماعی طراحی شده و شامل ۱۷ عبارت در سه زیرمقیاس ترس^۳، اجتناب^۴ و ناراحتی فیزیولوژیکی^۵ است. نمره‌گذاری پرسشنامه از صفر (اصلاً) تا ۴ (خیلی زیاد) است. بنابراین نمره کل فرد می‌تواند بین ۰ تا ۶۸ متغیر باشد که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده اضطراب اجتماعی است. در نسخه اصلی انگلیسی، پایایی درونی کل مقیاس با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۴ گزارش شده و ضرایب بازآزمایی با فاصله دو تا سه هفته ۰/۷۸ به‌دست آمده است. تحلیل عاملی تأییدی ساختار سه‌عاملی ابزار را تأیید کرده و ضرایب همبستگی همگرایی آن با مقیاس‌های مرتبط همچون مقیاس اضطراب اجتماعی لیوویتز^۶ و پرسشنامه فوبیای مارکس و متیوز^۷ بین ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ گزارش شده است که بیانگر روایی همگرایی بالا است (کانور و دیویدسون، ۲۰۰۰). در نسخه فارسی این پرسشنامه، که توسط محمدخانی و همکاران (۱۳۸۷) اعتباریابی شده است، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای زیرمقیاس‌های ترس، اجتناب و ناراحتی فیزیولوژیکی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۸ و ۰/۷۹ گزارش گردیده است. همچنین روایی همگرایی آن از طریق همبستگی با مقیاس اضطراب اجتماعی لیوویتز (۲=۰/۷۲) و پرسشنامه اضطراب بک (۲=۰/۶۵) بررسی و تأیید شد. تحلیل عاملی تأییدی نیز سه عامل اصلی نسخه اصلی را در نمونه ایرانی تأیید نمود (محمدخانی و همکاران، ۱۳۸۷). همچنین در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های ترس ۰/۷۶، اجتناب ۰/۷۲ و ناراحتی فیزیولوژیکی ۰/۸۱ و برای کل مقیاس ۰/۷۴ به‌دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب این پرسشنامه است.

پرسشنامه نیازهای بین‌فردی^۸ (INQ-15): پرسشنامه نیازهای بین‌فردی توسط ون‌آردن^۹ و همکاران (۲۰۱۲) تدوین شده است. نسخه ۱۵ سؤالی این پرسشنامه شامل دو زیرمقیاس ادراک سربار بودن^{۱۰} و تعلق‌پذیری^{۱۱} است که در پژوهش حاضر از زیرمقیاس ادراک سربار بودن استفاده شد. این پرسشنامه، بر درجه‌بندی هفت‌گانه لیکرت از ۱ (کاملاً نادرست) تا ۷ (کاملاً صحیح) درجه‌بندی شده است. بنابراین حداقل و حداکثر امتیاز زیرمقیاس سربار بودن ۶ و ۴۲ است که نمره بالاتر به معنای ادراک سربار بودن بیشتر است. همسانی درونی (آلفا=۰/۹۰) و پایایی خوبی برای این مقیاس گزارش شده است (ون‌آردن و همکاران، ۲۰۱۲؛ هاوکینز^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۴). تحلیل‌های عاملی تأییدی در مطالعه ون‌آردن و همکاران (۲۰۱۲) ساختار دو عاملی این پرسشنامه با شاخص‌های برازش مطلوب تأیید شده است. همچنین در مطالعه هیل^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۵) همبستگی‌های معنادار این پرسشنامه با افسردگی (۲=۰/۴۸ - ۰/۷۴)، تنهایی (۲=۰/۷۸ - ۰/۶۰) و عدم حمایت اجتماعی (۲=۰/۴۰ - ۰/۶۵) روایی همگرا و واگرا را نشان می‌دهد. در نمونه ایرانی در پژوهش تنهای رشوانلو و همکاران (۱۴۰۲) همبستگی مثبت ادراک سربار بودن با نیاز به تعلق (۰/۲۹)، انزوای اجتماعی (۰/۳۳)، افسردگی (۰/۲۴) و فشار روانی (۰/۲۹) نشان از روایی همگرایی این پرسشنامه داشت (P<۰/۰۱). همچنین ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۹۰ گزارش شده است (تنهای

1 Social Phobia Inventory (SPIN)

2 Connor & Davidson

3 Fear

4 Avoidance

5 Physiological Distress

6 Liebowitz Social Anxiety Scale (LSAS)

7 Marks & Mathews Fear Questionnaire (FQ)

8 Interpersonal Needs Questionnaire (INQ)

9 Van Orden

10 Perceived Burdensomeness

11 Belongingness

12 Hawkins

13 Hill

رشوانلو و همکاران، ۱۴۰۲). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ زیرمقیاس سربار بودن برابر با ۰/۸۰ به دست آمد که بیانگر پایداری مطلوب این پرسشنامه است.

پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان^۱ (AEQ): این پرسشنامه توسط کینگ و امونز^۲ (۱۹۹۰) ساخته شده و دارای ۲۸ عبارت است. عبارت‌های پرسشنامه روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۵ (همیشه) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات از ۲۸ تا ۱۴۰ متغیر است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده دوسوگرایی بیشتر در ابراز هیجان است. در مطالعه آنها تحلیل عاملی اکتشافی نشان‌دهنده ساختار دو عاملی برای پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان بود. این دو عامل عبارتند از: دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت^۳ و دوسوگرایی در ابراز استحقاق^۴. در مطالعه کینگ و امونز (۱۹۹۰) پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان، همسانی درونی بالا (آلفای کرونباخ ۰/۸۹ برای کل پرسشنامه، ۰/۸۷ برای خرده مقیاس دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت و ۰/۷۷ برای خرده مقیاس دوسوگرایی در ابراز استحقاق) و پایداری بازآزمایی مناسب (۰/۷۸ بعد از ۶ هفته) را نشان داد. همچنین در این مطالعه، روایی همگرای این پرسشنامه از طریق همبستگی مثبت معنادار با پرسشنامه دوسوگرایی شدید رالین^۵ ($r=0/38$, $p<0/01$) و پرسشنامه افسردگی بک ($r=0/47$, $p<0/01$) تایید شده است. در ایران این پرسشنامه را علوی و همکاران (۱۳۹۶) بررسی کرده‌اند و ضرایب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و خرده مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۷۷ تا ۰/۸۶ به دست آمد. همچنین به منظور بررسی روایی همگرای پرسشنامه، همبستگی آن با پرسشنامه افسردگی بک محاسبه شد؛ که نتایج آن حاکی از همبستگی معنادار ($r=0/35$, $p<0/01$) این دو مقیاس بود. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت ۰/۷۹ و دوسوگرایی در ابراز استحقاق ۰/۷۲ و برای کل مقیاس ۰/۷۳ به دست آمد.

پرسشنامه تمایز یافتگی خود^۶ (DSI): پرسشنامه تمایز یافتگی ۴۵ گویه‌ای توسط اسکورن و فریدلندر^۷ (۱۹۹۸) ساخته شده است که شامل ۴ زیرمقیاس واکنش‌پذیری عاطفی^۸، جایگاه من^۹، گریز عاطفی^{۱۰} و هم آمیختگی با دیگران^{۱۱} است. نمره‌دهی آن بر اساس لیکرت پنج‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) است که نمره بالاتر تمایز یافتگی بالاتر را نشان می‌دهد. اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) ضریب روایی سازه در تحلیل عاملی تأییدی را برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۰ و همسانی درونی این پرسشنامه را برای واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۸۴، هم آمیختگی با دیگران ۰/۷۴، جایگاه من ۰/۸۳، گریز عاطفی ۰/۸۲ و کل مقیاس ۰/۸۸ گزارش کردند. در مطالعه اعتبارسنجی ایرانی توسط قوی‌بازو و همکاران (۲۰۲۲) بر روی ۲۷۳ نفر، روایی صوری و محتوایی ابزار مطلوب ارزیابی شد ($CVR<0/75$ ، $CVI<0/70$). همچنین همبستگی منفی و معنادار با مقیاس اضطراب صفتی ($r=-0/43$, $p<0/01$) نشان‌دهنده روایی و اگرای مناسب ابزار بود. پایداری کل مقیاس نیز برابر ۰/۸۴ و برای زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۷۱، گریز عاطفی ۰/۶۹، جایگاه من ۰/۶۷ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۵۴ گزارش شد (قوی‌بازو و همکاران، ۲۰۲۲). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی ۰/۷۵، هم آمیختگی با دیگران ۰/۶۸، جایگاه من ۰/۸۰، گریز عاطفی ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۷۱ به دست آمد.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان داد که از میان ۲۵۰ نفر شرکت‌کننده (۵۳٪ دختر و ۴۷٪ پسر)، ۷۱ نوجوان (۲۸/۴٪) در بازه‌ی سنی ۱۳ تا ۱۴ سال، ۸۸ نفر (۳۵/۲٪) در بازه‌ی سنی ۱۵ تا ۱۶ سال و ۹۱ نفر (۳۶/۴٪) در بازه‌ی سنی ۱۷ تا ۱۸ سال قرار داشتند. میانگین سن نمونه ۱۶/۰۸ و انحراف استاندارد آن ۱/۳۹ بود. علاوه بر این، بررسی وضعیت اقتصادی خانواده‌ها نشان داد که ۶۰ نفر (۲۴٪) در سطح پایین، ۱۴۷ نفر (۵۸/۸٪) در سطح متوسط و ۴۳ نفر (۱۷/۲٪) در سطح بالا قرار داشتند. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

1 Ambivalence over Emotional Expression Questionnaire

2 King & Emmons

3 Ambivalence over Positive Emotional Expression

4 Ambivalence over Emotional Expression of Anger

5 Raulin Ambivalence Scale

6 Differentiation of Self Inventory (DSI)

7 Skowron & Friedlander

8 Emotional Reactivity

9 I-Position

10 Emotional Cutoff

11 Fusion with Others

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و ماتریس همبستگی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کولموگروف اسمیرنف		۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
			مقدار Z	سطح معناداری								
۱. سربار بودن	۲۷/۳۱	۵/۲۴	۰/۳۱	۰/۲۳	۱							
۲. دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت	۴۳/۸۲	۸/۷۳	۰/۶۴	۰/۳۲	۰/۵۶*	۱						
۳. دوسوگرایی در ابراز استحقاق	۴۰/۲۱	۷/۲۴	۰/۵۱	۰/۲۹	۰/۴۲**	۰/۶۱*	۱					
۴. واکنش‌پذیری عاطفی	۲۶/۲۳	۵/۲۷	۰/۳۹	۰/۴۵	۰/۳۵**	۰/۵۸**	۰/۶۲**	۱				
۵. جایگاه من	۲۵/۲۹	۵/۱۲	۰/۴۵	۰/۳۱	۰/۵۹**	۰/۶۵*	۰/۳۶**	۰/۵۸**	۱			
۶. گریز عاطفی	۳۰/۳۶	۶/۶۳	۰/۳۸	۰/۱۹	۰/۴۹*	۰/۴۶**	۰/۵۷*	۰/۵۷**	۰/۶۸**	۱		
۷. هم‌آمیختگی با دیگران	۲۴/۴۰	۴/۸۴	۰/۶۶	۰/۴۱	۰/۵۰*	۰/۶۵*	۰/۵۴**	۰/۵۲*	۰/۴۴**	۰/۶۰**	۱	
۸. اضطراب اجتماعی	۴۲/۰۳	۷/۲۶	۰/۵۸	۰/۲۶	۰/۶۴**	۰/۴۸*	۰/۵۸**	۰/۶۴**	۰/۵۷**	۰/۶۵*	۰/۶۴*	۱

P≤0.01** P≤0.05*

طبق نتایج جدول ۱، میانگین سربار بودن شرکت‌کنندگان برابر با ۲۷/۳۱، میانگین دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت برابر با ۴۳/۸۲، میانگین دوسوگرایی در ابراز هیجان استحقاق برابر با ۴۰/۲۱، میانگین واکنش‌پذیری عاطفی برابر با ۲۶/۲۳، میانگین جایگاه من برابر با ۲۵/۲۹، میانگین گریز عاطفی برابر با ۳۰/۳۶، میانگین هم‌آمیختگی با دیگران برابر با ۲۴/۴۰ و میانگین اضطراب اجتماعی برابر با ۴۲/۰۳ است. همچنین طبق نتایج ماتریس همبستگی بین همه ابعاد علائم اختلال شخصیت مرزی، روابط ابژه و ناگویی خلقی با فرسودگی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

همچنین برای اطمینان از رعایت مفروضه‌های لازم جهت اجرای آزمون‌های پارامتریک، ابتدا نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنف بررسی شد. همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، سطوح معناداری تمامی متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده و بر این اساس، فرض نرمال بودن داده‌ها تأیید می‌شود ($P > 0.05$). از دیگر پیش‌فرض‌های ضروری در تحلیل رگرسیون، نبود هم‌خطی میان متغیرهای پیش‌بین است. برای ارزیابی این فرض، شاخص‌های «تحميل» و «عامل تورم واریانس (VIF)» مورد استفاده قرار گرفت. نتایج نشان داد مقادیر تحمل در بازه ۰/۲۷ تا ۰/۷۵ قرار دارد (بیشتر از ۰/۱۰) و مقادیر VIF نیز بین ۱/۹۳ تا ۴/۰۶ مشاهده شد (کمتر از ۱۰). بنابراین، این یافته‌ها حاکی از نبود هم‌خطی مشکل‌ساز و قابل‌توجه میان متغیرهای پیش‌بین هستند. همچنین برای بررسی فرض استقلال باقیمانده‌ها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد. مقدار آماره این آزمون برابر با ۱/۸۷ به‌دست آمد که با قرار گرفتن در محدوده قابل‌قبول ۱/۵ تا ۲/۵، مؤید رعایت مفروضه استقلال خطاها است. در ادامه، جدول ۲ نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش

جدول ۲. آزمون تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان

متغیر پیش‌بین	β	SE	T	P	R	R^2	F	P
ادراک سربار بودن	۰/۴۵۲	۰/۱۳۶	۳/۳۴۱	۰/۰۰۱				
دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت	۰/۴۲۷	۰/۱۴۲	۲/۹۹۸	۰/۰۰۳	۰/۸۳	۰/۶۹	۷۶/۹۵	۰/۰۰۱
دوسوگرایی در ابراز استحقاق	۰/۵۱۳	۰/۱۵۴	۳/۴۵۹	۰/۰۰۱				

واکنش پذیری عاطفی	-۰/۳۷۲	۰/۱۱۲	-۲/۶۸۵	۰/۰۰۱
جایگاه من	-۰/۵۶۱	۰/۱۶۸	-۳/۳۳۱	۰/۰۰۱
گریز عاطفی	-۰/۴۴۷	۰/۱۶۴	-۲/۷۲۰	۰/۰۰۷
هم آمیختگی با دیگران	-۰/۴۲۳	۰/۱۴۹	-۲/۸۳۶	۰/۰۰۵

باتوجه به نتایج جدول ۲ مدل کلی رگرسیون با متغیرهای پیش بین (ادراک سربار بودن، دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت، دوسوگرایی در ابراز استحقاق، واکنش پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی، هم آمیختگی با دیگران) توانست ۶۹٪ از واریانس اضطراب اجتماعی نوجوانان را تبیین کند ($R^2=0/69$, $R=0/83$). آزمون F مدل ($F=76/95$, $p<0/001$) نشان دهنده معنی داری کلی مدل است. همچنین ادراک سربار بودن به صورت مثبت و معنادار ($\beta=0/452$, $p=0/001$)، دوسوگرایی در ابراز هیجان مثبت به صورت مثبت و معنادار ($p=0/003$)، $\beta=0/427$ ، دوسوگرایی در ابراز استحقاق به صورت مثبت و معنادار ($\beta=0/513$, $p=0/001$)، واکنش پذیری عاطفی به صورت منفی و معنادار ($\beta=-0/372$, $p=0/001$)، جایگاه من به صورت منفی و معنادار ($\beta=-0/561$, $p=0/001$)، گریز عاطفی به صورت منفی و معنادار ($p=0/007$)، $\beta=-0/447$ و هم آمیختگی با دیگران به صورت منفی و معنادار ($\beta=-0/423$, $p=0/005$) پیش بینی کننده اضطراب اجتماعی هستند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی اضطراب اجتماعی نوجوانان براساس ادراک سربار بودن، دوسوگرایی در ابراز هیجان و تمایز یافتگی خود انجام شد. یافته ها نشان داد که ادراک سربار بودن پیش بینی کننده مثبت و معنادار اضطراب اجتماعی است. این یافته با نتایج پژوهش های سیبل و همکاران (۲۰۲۴)، گیل و همکاران (۲۰۲۲) و محبوبی مطبوع و همکاران (۱۴۰۳) همسو است. در تبیین این یافته باید گفت که نوجوانان دارای باور سربار بودن، خود را بی ارزش و معیوب می بینند و همین خودانگاره منفی موجب افزایش خودنظارتی، حساسیت به قضاوت دیگران و تجربه شدیدتر اضطراب اجتماعی می شود. احساس سربار بودن همچنین شرم و انزوای اجتماعی را تقویت می کند (سیبل و همکاران، ۲۰۲۴)؛ دو عاملی که نقش محوری در تداوم اضطراب اجتماعی دارند. نوجوانانی که احساس می کنند حضورشان بر دیگران تحمیل می شود، معمولاً از ابراز نیازها یا جستجوی حمایت اجتماعی اجتناب می کنند و به همین دلیل، درونی سازی احساس بی کفایتی و انتظار طرد در آن ها افزایش می یابد. این چرخه، حساسیت به نشانه های منفی را بالا برده و باعث می شود موقعیت های اجتماعی نه به عنوان فرصت، بلکه به عنوان تهدید تجربه شوند. در این شرایط، شرم به عنوان هیجانی ناتوان کننده، حس ارزشمندی و تعلق را تضعیف کرده و نوجوان را به انزوای بیشتر سوق می دهد (محبوبی مطبوع و همکاران، ۱۴۰۳). به مرور زمان، اجتناب اجتماعی تثبیت می شود و نوجوان تعاملات روزمره را از دریچه ای منفی و انتقادآمیز تفسیر می کند. علاوه بر این، سرکوب نیازهای بین فردی و ناتوانی در ابراز وجود، ادراک سربار بودن را واقعی تر جلوه می دهد و چرخه ای ایجاد می کند که در آن اضطراب اجتماعی و احساس سربار بودن یکدیگر را تقویت می کنند (لیبرمن و همکاران، ۲۰۲۳). زمینه رشدی نوجوانی اهمیت این الگو را برجسته تر می کند. در این مرحله که نیاز به تعلق، هویت یابی و تأیید همسالان افزایش می یابد، باور به سربار بودن می تواند با نیازهای رشدی همچون خودمختاری و شایستگی در تعارض قرار گیرد. چنین باوری حتی ممکن است حس عدم تعلق و بیگانگی اجتماعی را تشدید کند و با عواملی مانند قلدری یا بی اعتباری خانوادگی وارد چرخه ای بازخوردی شود که اضطراب اجتماعی را پایدارتر می سازد. در نهایت، این الگو می تواند مسیر رشد مهارت های اجتماعی را محدود کرده و زمینه ساز آسیب پذیری های پایدارتر در دوره بزرگسالی شود (گیل و همکاران، ۲۰۲۲).

دیگر نتایج پژوهش نشان داد که دوسوگرایی در ابراز هیجان پیش بینی کننده مثبت و معنادار اضطراب اجتماعی است. این یافته با نتایج پژوهش های چن (۲۰۲۵)، هوانگ و وانگ (۲۰۲۴) و هاشمی و همکاران (۱۴۰۳) همسو است. در راستای تبیین این یافته می توان گفت نوجوانانی که دچار دوسوگرایی در ابراز هیجان هستند، میان میل به ارتباط و ترس از پیامدهای احتمالی آن گرفتار می شوند؛ آن ها از یک سو نیاز عاطفی هیجانی برای اشتراک گذاری تجربه ها دارند و از سوی دیگر نگران اند که بیان احساسات موجب طرد یا شرمندگی شود. این تعارض درونی آن ها را به سمت کناره گیری عاطفی و حتی جسمانی سوق می دهد و چرخه ای ایجاد می کند که در آن ترس از ارزیابی منفی، نیازهای برآورده نشده و حساسیت اجتماعی به مرور تشدید می شوند (چن، ۲۰۲۵). از منظر شناختی رفتاری، این دوسوگرایی می تواند باورهای ناسازگارانه ای نظیر «احساسات من برای دیگران بیش از حد است» یا «اگر هیجانم را نشان دهم کمتر پذیرفته می شوم» را

تقویت کند. چنین باورهایی نه تنها اضطراب پیش‌بینی‌کننده را پیش از تعاملات اجتماعی بالا می‌برند، بلکه موجب افزایش خودآگاهی، مراقبت افراطی از نشانه‌های هیجانی و ناتوانی نوجوان در تجربه تعاملات اصیل و راحت با همسالان می‌شوند (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۳). این فرایند به تدریج در ذهن فرد تثبیت شده و چالش کردن آن بدون مداخله هدفمند دشوارتر می‌شود. همچنین بسیاری از نوجوانانی که این دوسوگرایی را تجربه می‌کنند، به راهبردهای تنظیم هیجان ناسازگارانه، به ویژه سرکوب و اجتناب، متوسل می‌شوند. اگرچه سرکوب ممکن است در لحظه اضطراب را کاهش دهد، اما در بلندمدت با افزایش تنش هیجانی، کاهش پیوندهای بین فردی و پیامدهای ضعیف‌تر سلامت روان همراه است. نوجوانی که از ابراز خشم، غم یا ترس اجتناب می‌کند، در ظاهر آرام است اما دروناً تنش، ناامیدی و احساس گسست عاطفی فزاینده‌ای را تجربه می‌کند (هوانگ و وانگ، ۲۰۲۴). این ناهمخوانی درونی می‌تواند سطح برانگیختگی فیزیولوژیک را بالا برده و موجب شود موقعیت‌های اجتماعی به شکل تهدیدآمیز ادراک شوند.

نتایج دیگر پژوهش نشان داد که تمایز یافتگی خود پیش‌بینی‌کننده منفی و معنادار اضطراب اجتماعی است. این یافته با نتایج پژوهش‌های سالرنو و همکاران (۲۰۲۴)، لامپیس و همکاران (۲۰۲۰) و زندگندی و رضایی (۱۴۰۴) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان اینچنین گفت که تمایز یافتگی خود در دوره نوجوانی که همراه با کاوش هویت، افزایش نیاز به استقلال و شکل‌گیری روابط پیچیده اجتماعی و خانوادگی است (زندگندی و رضایی، ۱۴۰۴)، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. نوجوانانی که تمایز یافتگی پایینی دارند، بیشتر در معرض درونی‌سازی قضاوت‌های بیرونی، حساسیت به ارزیابی منفی و اجتناب اجتماعی قرار می‌گیرند؛ عواملی که اضطراب اجتماعی و پریشانی هیجانی را تشدید می‌کنند و می‌توانند در بلندمدت به مشکلات خودپنداره و اختلالات هیجانی پایدار منجر شوند. از آنجا که این نوجوانان مرز روان‌شناختی روشنی میان خود و دیگران ندارند، هیجانات و انتظارات اطرافیان را به راحتی جذب کرده و آن‌ها را تهدیدی برای ارزش شخصی خود تفسیر می‌کنند (سالرنو و همکاران، ۲۰۲۴). این فرایند باعث می‌شود تعاملات معمول اجتماعی نیز با سطح بالایی از تنش و خودنظارتی تجربه شود. در مقابل، نوجوانانی که از نظر عاطفی و شناختی خودمختارتر هستند، اضطراب اجتماعی را بهتر مدیریت کرده و بازخورد دیگران را کمتر فاجعه‌بار تفسیر می‌کنند. این افراد کمتر در هیجانات یا انتظارات همسالان و تعارضات خانوادگی غرق می‌شوند و قادرند تفاوت‌های بین فردی و لحظات طردشدگی را بدون تهدید دانستن ارزش شخصی خود تحمل کنند (سالرنو و همکاران، ۲۰۲۴). تمایز یافتگی بالاتر منابع درونی قدرتمندی برای حفظ اعتماد به نفس، مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی و تفسیر واقع‌بینانه‌تر موقعیت‌های بین فردی فراهم می‌کند. این توانایی‌ها نوجوان را از الگوهای فکری ناسازگارانه و حساسیتی هیجانی که زیربنای اضطراب اجتماعی هستند محافظت کرده و مانع از تعمیم تجارب منفی به کل ارزشمندی فرد می‌شود (لامپیس و همکاران، ۲۰۲۰).

به‌طور کلی می‌توان گفت، اضطراب اجتماعی نوجوانان تحت تأثیر عوامل شناختی و هیجانی مختلفی قرار دارد. ادراک سربار بودن و دوسوگرایی در ابراز هیجان به عنوان عوامل خطرزا، و تمایز یافتگی خود به عنوان عامل محافظتی در شکل‌گیری اضطراب اجتماعی نقش دارند. این نتایج نشان می‌دهند که برای کاهش اضطراب اجتماعی در نوجوانان، باید به تقویت تمایز یافتگی، آموزش مهارت‌های ابراز هیجان و اصلاح باورهای منفی درباره خود توجه ویژه‌ای شود. همچنین، مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر تنظیم هیجانی و بازسازی شناختی می‌توانند در کاهش اضطراب اجتماعی مؤثر باشند.

در این پژوهش چند محدودیت وجود داشت که باید در تفسیر نتایج مدنظر قرار گیرد. نخست آنکه داده‌ها تنها از یک شهر جمع‌آوری شد و این امر تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد. دوم، گردآوری داده‌ها در یک بازه زمانی محدود انجام شده و با توجه به ماهیت پویا و متغیر اضطراب اجتماعی، امکان تغییر الگوهای آن در طول زمان وجود دارد. سوم، برخی عوامل اثرگذار مانند شرایط خانوادگی، وضعیت اقتصادی و تجارب شخصی کنترل نشدند که می‌تواند بر دقت برآوردها اثر بگذارد. چهارم، تحلیل داده‌ها مبتنی بر یک چارچوب آماری خاص بوده و احتمال دارد روش‌های تحلیلی دیگر ابعاد متفاوتی از روابط میان متغیرها را آشکار کنند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده با نمونه‌های گسترده‌تر و در مناطق مختلف انجام شود و از روش‌های چندوجهی مانند مصاحبه و مشاهده برای ارزیابی دقیق‌تر استفاده گردد. کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز به افزایش دقت یافته‌ها کمک می‌کند. از منظر کاربردی، نتایج این مطالعه اهمیت نقش ادراک سربار بودن، دوسوگرایی هیجانی و تمایز یافتگی خود را در شکل‌گیری اضطراب اجتماعی نشان می‌دهد؛ بنابراین طراحی مداخلات روان‌درمانی هدفمند برای کاهش این آسیب‌پذیری‌ها ضروری است. افزون بر این، اجرای برنامه‌های غربالگری در مدارس و تقویت خدمات مشاوره‌ای می‌تواند در شناسایی زودهنگام نوجوانان در معرض خطر و پیشگیری از تشدید نشانه‌ها نقش مؤثری ایفا کند.

منابع

- تنهای رشوانلو، ف.، امینی، ن.، و شعاع کاظمی، م. (۱۴۰۲). ساختار عاملی و تغییرناپذیری جنسیتی پرسشنامه نیازهای بین فردی (INQ-15). *رویش روان شناسی*، ۱۲(۹)، ۶۵-۷۴. <http://frooyesh.ir/article-1-4732-fa.html>
- زندگندی، ی.، و رضایی، م. (۱۴۰۴). تأثیر بد رفتاری روان شناختی و تمایز یافتگی خود بر اضطراب اجتماعی با نقش واسطه ای انعطاف پذیری روان شناختی. *پویایی روان شناختی در اختلال های خلقی*، ۴(۱)، ۷۰-۸۹. <https://doi.org/10.61838/kman.pdmd.4.1.5>
- علوی، خ.، اصغری مقدم، م.ا.، رحیمی نژاد، ع.، و فراهانی، ح. (۱۳۹۶). ویژگی های روان سنجی پرسشنامه دوسوگرایی در ابراز هیجان. *پژوهش در سلامت روان شناختی*، ۱۱(۱)، ۷۴-۹۱. <https://www.sid.ir/paper/134125/fa>
- فتح آبادی، ر.، شریفی درآمدی، پ.، رضایی، س.، و دلاور، ع. (۱۴۰۱). عوامل تأثیرگذار بر بروز علائم اضطراب اجتماعی در نوجوانان دچار اختلال اتیسم با عملکرد بالا: یک مطالعه مروری نظام مند. *رویش روان شناسی*، ۱۱(۱)، ۳۹-۵۰. <http://frooyesh.ir/article-1-4089-fa.html>
- محبوبی مطبوع، م.، احمدی، و.، سلیمان نژاد، ح.، و جعفری مهدی آباد، ا. (۱۴۰۳). ارائه الگوی رفتار خودکشی بر اساس اضطراب با میانجی گری نیازهای بین فردی در اقدام کنندگان به خودکشی. *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، ۱۳(۳)، ۸۹-۱۰۰. <http://jhpm.ir/article-1-1763-fa.html>
- نوری، ز.، و موسوی، س.م. (۱۴۰۳). مدل ساختاری رابطه بین تمایز یافتگی با تاب آوری و حساسیت بین فردی بر اساس نقش میانجی تنظیم شناختی هیجان در دانشجویان. *سلامت اجتماعی*، ۱۰(۶)، ۱-۱۲. <https://doi.org/10.22037/ch.v10i6.31767>
- هاشمی، م.، خسروپور، ف.، و خجسته چترودی، س. (۱۴۰۳). پیش بینی شدت اضطراب بر اساس دوسوگرایی در ابراز هیجان و باورهای فراشناختی در افراد دارای اختلال اضطراب. *مجله دانشگاه علوم پزشکی سبزوار*، ۳۱(۵)، ۷۹۳-۷۸۴. <https://doi.org/10.30468/jsums.2024.7736.3039>
- Bhargav, M., & Swords, L. (2022). Role of thwarted belongingness, perceived burdensomeness and psychological distress in the association between adverse childhood experiences and suicidal ideation in college students. *BJPsych Open*, 8(2), e39. doi:10.1192/bjo.2021.1087
- Chen, X. (2025). The interrelation between major depressive symptoms and ambivalence over emotional expression among college students: a network perspective on gender differences. *Frontiers in Psychiatry*, 16, 1658159. <https://doi.org/10.3389/fpsy.2025.1658159>
- Connor, K. M., Davidson, J. R., Churchill, L. E., Sherwood, A., Weisler, R. H., & Foa, E. (2000). Psychometric properties of the Social Phobia Inventory (SPIN): New self-rating scale. *The British Journal of Psychiatry*, 176(4), 379-386. doi:10.1192/bjp.176.4.379
- Ghavibazou, E., Abdollahi, A., & Hosseinian, S. (2022). Validity of the Persian translation of the differentiation of self inventory (DSI) among Iranian adults. *Heliyon*, 8(7), e09834. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2022.e09834>
- Gill, P. R., Arena, M., Rainbow, C., Hosking, W., Shearson, K. M., Ivey, G., & Sharples, J. (2023). Social connectedness and suicidal ideation: the roles of perceived burdensomeness and thwarted belongingness in the distress to suicidal ideation pathway. *BMC psychology*, 11(1), 312. <https://doi.org/10.1186/s40359-023-01338-5>
- Hawkins, K. A., Hames, J. L., Ribeiro, J. D., Silva, C., Joiner, T. E., & Coughle, J. R. (2014). An examination of the relationship between anger and suicide risk through the lens of the interpersonal theory of suicide. *Journal of psychiatric research*, 50, 59-65. <https://doi.org/10.1016/j.jpsychires.2013.12.005>
- Hill, R. M., Rey, Y., Marin, C. E., Sharp, C., Green, K. L., & Pettit, J. W. (2015). Evaluating the Interpersonal Needs Questionnaire: Comparison of the reliability, factor structure, and predictive validity across five versions. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 45(3), 302-314. <https://doi.org/10.1111/sltb.12129>
- Huang, T., & Wang, W. (2024). Relationship between fear of evaluation, ambivalence over emotional expression, and self-compassion among university students. *BMC psychology*, 12(1), 128. <https://doi.org/10.1186/s40359-024-01629-5>
- Kajastus, K., Haravuori, H., Kiviruusu, O., Marttunen, M., & Ranta, K. (2024). Associations of generalized anxiety and social anxiety with perceived difficulties in school in the adolescent general population. *Journal of Adolescence*, 96(2), 291-304. <https://doi.org/10.1002/jad.12275>
- Kang, Y., Li, Q., Liu, W., Hu, Y., Liu, Z., Xie, S.,... & Yang, Z. (2025). Risk factor patterns define social anxiety subtypes in adolescents with brain and clinical feature differences. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 1-14. <https://doi.org/10.1007/s00787-024-02548-x>
- King, L. A., & Emmons, R. A. (1990). Conflict over emotional expression: psychological and physical correlates. *Journal of personality and social psychology*, 58(5), 864. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-3514.58.5.864>
- Lampis, J., Cataudella, S., Speziale, R., & Elat, S. (2020). The role of differentiation of self dimensions in the anxiety problems. *The Family Journal*, 28(1), 90-97. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1177/1066480719894943>
- Leigh, E., Chiu, K., & Ballard, E. D. (2023). Social anxiety and suicidality in youth: a systematic review and meta-analysis. *Research on child and adolescent psychopathology*, 51(4), 441-454. <https://doi.org/10.1007/s10802-022-00996-0>
- Lieberman, A., Gai, A. R., Rogers, M. L., Jobes, D. A., Rudd, M. D., Chalker, S. A.,... & Joiner, T. E. (2023). Targeting perceived burdensomeness to reduce suicide risk. *Behavior therapy*, 54(4), 696-707. <https://doi.org/10.1016/j.beth.2022.12.002>

- Liebowitz M. R. (1987). Social phobia. *Modern problems of pharmacopsychiatry*, 22, 141–173. <https://doi.org/10.1159/000414022>
- Narayanan, M., & Sriram, S. (2023). An Exploration of Differentiation of Self in Indian Youth. *Human Arenas*, 1-28. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s42087-023-00335-9>
- Salerno, A., Tosto, M., Raciti, I., & Merenda, A. (2024). Self-differentiation and parenting stress in adolescent mothers. An exploratory study. *Frontiers in Developmental Psychology*, 2, 1306427. <https://doi.org/10.3389/fdpys.2024.1306427>
- Seibel, L., Harris, K. M., López Jr, R., Wolff, J., Spirito, A., & Esposito-Smythers, C. (2024). Perceived burdensomeness and thwarted belongingness as mediators of the relation between anxiety and suicidal ideation among adolescents. *Suicide and Life-Threatening Behavior*. <https://doi.org/10.1111/sltb.13094>
- Skowron, E. A., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology*, 45, 235 - 246. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/0022-0167.45.3.235>
- Sriwenda, D., Sudiafermana, E., Pramudia, J. R., Saepudin, A., & Prasetyono, J. D. (2025). Impact of Parent's Communication on Adolescent Social Anxiety. *IJORE: International Journal of Recent Educational Research*, 6(2), 398-409. <https://doi.org/10.46245/ijorer.v6i2.788>
- Tabachnick, B. G., Fidell, L. S., & Ullman, J. B. (2013). *Using multivariate statistics*. 6, 497-516. Boston, MA: pearson. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1541229>
- Van Orden, K. A., Cukrowicz, K. C., Witte, T. K. & Joiner Jr, T. E. (2012), Thwarted belongingness and perceived burdensomeness: Construct validity and psychometric properties of the Interpersonal Needs Questionnaire, *Psychological assessment*, 24(1), 197. <https://doi.org/10.1037/a0025358>
- Vilaplana-Pérez, A., Pérez-Vigil, A., Sidorchuk, A., Brander, G., Isomura, K., Hesselmark, E., Kuja-Halkola, R., Larsson, H., Mataix-Cols, D., & Fernández de la Cruz, L. (2021). Much more than just shyness: The impact of social anxiety disorder on educational performance across the lifespan. *Psychological Medicine*, 51(5), 861–869. <https://doi.org/10.1017/s0033291719003908>
- Wang, Y., Zheng, Z., Wang, X., & Li, Y. (2022). Unraveling the effect of ambivalence over emotional expression on subjective wellbeing in Chinese college students in romantic relationships: A multiple mediation model. *Frontiers in Psychiatry*, 13, 982406. <https://doi.org/10.3389/fpsy.2022.982406>
- Yavuz Güler, Ç., & Karaca, T. (2021). The role of differentiation of self in predicting rumination and emotion regulation difficulties. *Contemporary Family Therapy*, 43(2), 113-123. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1007/s10591-020-09559-1>